

## تأثیر ایمان در زندگی اجتماعی

ناصر احمد هروی<sup>۱</sup>

### چکیده

ملاک و اساس همه چیز در اسلام بر قضیه‌ی ایمان گذاشته شده است. تمام تصرفات شخص از عقیده، عمل کرد، تعاملات فردی و اجتماعی، سلوک و اخلاقیات بستگی به ایمان فرد دارد، اگر ایمان فرد درست باشد سایر تصرفات وی درست بوده و مورد پسند شرع قرار می‌گیرد و اگر ایمانیات انسان درست نباشد؛ سایر کارها هم نتیجه‌ی برای شخص نداشته و باعث نجات وی نمی‌شود. روی این ملحوظ؛ ایمان به هستی انسان و سرنوشت حیاتی او تعلق داشته که سعادت و شقاوت انسان را بر اساس آن در پی دارد. چنانچه ندای فطرت و ژرفنای درون انسان آنرا متوجه قضیه‌ی ایمان و بعد معنوی آن می‌نماید. انسان با ایمان، و بندگی کردن خداوند متعال منافع و سود زیادی را به دست می‌آورد، چنانچه به هدف آفرینش خود پی برده و به هدایت و نیروی استقامت در مسیر حق می‌رسد، همچنین بر هوی و خواهشات نفس خویش فایز آمده؛ آرامش روانی و آسایش زندگی را کسب می‌نماید. و ایمان تمام تعاملات اجتماعی فرد را تحت کنترل قرار داده و تأثیر بسزای در روند تنظیم قواعد اجتماعی جامعه به بار می‌آورد. ایمان وجدان فرد را بیدار ساخته؛ او را مسئول قرار می‌دهد، فرد را نسبت به هم نوعانش دلسوز، مهربان و فداکار به بار می‌آورد، نیروی توان مندی را در انسان ایجاد می‌نماید، مؤمن را در چرخه‌ی تولید فعال می‌سازد، جامعه‌ی را می‌سازد که اعضای آن دست به دست همدیگر داده و تا اوج نای خوبی‌ها، عزت و سربلندی در کنار هم با شعار «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ می‌مانند و در جهت صلاح و فلاح خویش می‌کوشند و از ظلم و ستم و حق ناشناسی جامعه خویش را می‌رهانند.

### واژگان کلیدی

ایمان، تأثیر ایمان، مؤمن، زندگی اجتماعی

<sup>۱</sup> دانشکده شرعیات و علوم اسلامی، دانشگاه جامی، هرات، افغانستان



## مقدمه

پدیده ایمان لازمه‌ی فطرت بشری بوده و بدون آن نیم انسان ناقص و فرد از تغذیه روحی خویش باز می ماند و آن طرف فرد با ایمان دیدگاه گسترده و وسیعی دارد نسبت به قضایای روحی و مادی، نیرومندی، دین و دانش و دنیا و آخرت. که این باور ایمانی استوار بر یکتا پرستی پروردگار علیم و حکیم، در وجود انسان بذر آزادگی، کرامت و سربلندی و عزت را نشانده و هر روز این بذر رشد نموده و به درخت تنومند و مثمری مبدل می شود که آثار او در هر جا نمایان می شود؛ از یک طرف باعث نجات صاحب خویش شده و او را به اوصاف کمال انسانی مزین نموده و زندگی پاک و پاکیزه را برای او به ارمغان می آورد و از طرف دیگر ثمره و حاصل آن متوجه اجتماع انسانی شده و دیگران از این درخت مثمر به خیری می رسند. جوامعی که در آن، ایمان به معنی واقعی وجود دارد؛ در امن و امان بوده و آرامش خاطر داشته، به داشته های مادی اکتفا نمی نمایند بلکه با الهام از نور الهی خود را به مدارج بلند معنوی می رسانند. چنانچه هر سوی این اجتماع رنگ خدایی داشته و الهام آسمانی دارد و دل ها به هم با ارتباط هستند چنانچه لطف و محبت از سیمای اهل آن مشاهده می شود. در آن همبستگی ایمانی و اخوت دینی و همدیگر پذیری مشاهده می شود، در جامعه ایمانی دیگر فرد به منافع شخصی خود نمی اندیشد بلکه منافع عموم را بر خویشتر ترجیح می دهد، جامعه‌ی ایثارگری که به حقوق هم احترام می گذارند و هیچ فردی در آن مورد ظلم و بی مهری قرار نمی گیرد و دادگری سر لوحه‌ی امور شان است که زر و زور و تزویر بر ایشان حاکم نیست. بر عکس جوامعی که در آن ها ایمان و معنویت وجود ندارد؛ جوامع خشک و بی روحی اند که آرمان های مردم شان از خواسته های شکم و زیر شکم فراتر نمی رود. (يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ) [محمد/ ۱۲] (بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند و [لی] جایگاه آنها آتش است). انسان بی ایمان همچون پَر سبکی است که هیچ ثباتی نداشته و به هر طرفی که زمانه و روزگار او را پرت کرد؛ روان شده و از خود اختیار و اراده‌ی ندارد و بدون ایمان برای همچون انسانی هیچ بها و ارزشی نمی ماند. به انسانی سرگشته و وامانده می ماند که نه خود را شناخته و نه به راز هستی پی برده.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

- ۱- اهمیت این موضوع در چند نکته بسیار واضح می گردد، از جمله؛
- ۲- موضوع ایمان از ضرورت های اساسی و حیاتی هر فرد مسلمان و جامعه اسلامی بوده که بقای یک جامعه اسلامی، ارزش های دینی و عقیدتی وابسته به قضیه ایمان است، اگر ایمان مطلوب شریعت وجود داشته و به مقتضای آن عمل شود، جامعه به رفاه و آسایش می رسد.

- ۳- مسئله ایمان و حفظ و تقویت آن در جامعه اسلامی باعث تربیت همه جانبه فرد و اجتماع شده و نیروی درونی و وجدانی در هر فرد ایجاد شده تا او را از درون کنترل نموده و این خود از ضروریات خمسه است که شریعت مقدس اسلام به حفظ دین و ایمان دستور داده است.
- ۴- تحقیق و پژوهش پیرامون ایمان بیان گر توجه به قضیه معنوی و روحی انسان بوده که انسان چنان که به رشد جسمی و ضرورت های مادی نیاز مند است به تغذیه روحی و معنوی خویش همچنان ضرورت میرم و حیاتی دارد.

### پرسش اصلی

- ۱- تاثیر ایمان در زندگی اجتماعی چیست؟
- ۲- دین اسلام به قضیه ایمان چه اهمیت داده و دارای چه جایگاهی می باشد؟

### پرسش های فرعی

۱. ابعاد تاثیر گذاری ایمان کدام ها اند؟
۲. تحقیق پیرامون مسائل اساسی همچون قضیه ایمان، چه تاثیری بر افراد می تواند داشته باشد.

### روش پژوهش

این تحقیق به شیوه کتابخانه با روش توصیفی تحلیلی انجام یافته که در آن از منابع معتبر علمی و شرعی استفاده به عمل آمده است.

### اهداف پژوهش

- در این تحقیق روی اهداف ذیل تمرکز شده است:
۱. بیان مفهوم ایمان و مغرفی فرد مؤمن
۲. بیان اهمیت و جایگاه انسان
۳. بیان مهم ترین تاثیرات ایمان در اجتماع

## تعریف مفاهیم

## تعریف ایمان

از لحاظ لغوی ایمان به معنی ثقه، اظهار خضوع و فرمانبرداری و پذیرفتن شریعت. (قاموس اللغة، فیروز آبادی، ص ۱۵۱۸). ایمان به معنی تصدیق و بر این معنی تمام اهل لغت و علمای علم تفسیر همچون ابن کثیر، شوکانی، و در تفسیر جلالین؛ اتفاق نظر دارند. (الصحاح؛ جوهری ج ۵، ص ۲۰۷۱، تاج العروس ج ۹، ص ۱۳۵).

واژه ایمان ضد کلمه کفر است به معنی تصدیق که ضد تصدیق تکذیب است؛ چنانچه گفته می شود؛ قومی به او ایمان آورد و تصدیقش نمود و گروهی او را تکذیب نمودند. چنانچه قرآن کریم از زبان برادران یوسف نقل می نماید: «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ» [یوسف/ ۱۷] (ولی تو ما را هر چند راستگو باشیم باور نمی داری). چنانچه مفسرین بر این که معنی این (تو ما را تصدیق نمی کنی هیچ اختلافی ندارند). (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۶، ص ۱۶۰). ایمان از امانت به معنی آرامش و اطمینان قلبی ضد خیانت است و عدم ترس از بطلان آنچه فرد به آن ایمان دارد. (مقایس اللغة، ابن فارس، ج ۱، ص ۱۳۳). اصل ایمان به معنی تصدیق است و عمل تابع آن است. (النهایه، ابن اثیر، ج ۱، ص ۵۴).

اصطلاحاً ایمان به معنی تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان است. (ابن ابی العز الحنفی، شرح عقیده طحاوی، ج ۲، ص ۴۵۹). مفهوم ایمان اعمال را هم در بر می گیرد و این چیزی است که صحابه، تابعین و تمام علمای اهل سنت به آن اتفاق دارند که ایمان قول و عمل و نیت است. (البغوی، شرح السنه، ج ۱، ص ۳۸). ایمان تصدیق قلبی و اقرار زبانی و عمل به جوارح و ارکان است. (سعید حوی، الأساس فی السنه و فقهها ج ۱، ص ۱۰۹). ایمان قول و عمل است قول قلب و زبان و عمل قلب و جوارح. (محمد محمود متولی، منهج رشید رضا فی العقیده، ج ۱، ص: ۷۵). ایمان عبارت است از باور و تصدیق قلب به خداوند متعال و پیامبرش صلی الله علیه وسلم، آنچنان تصدیق و باوری که هیچگونه شک و تردیدی بر آن وارد نشود. (سید قطب، فی ظلال القرآن، ص ۲۱۷). ایمان یک عملکرد درونی است که به روان انسان نفوذ نموده و تمام ادراکات، اراده و وجدان انسان را احتوا می نماید.

ایمان حقیقی آن است که خورشیدش بر سراسر منظومه جان و روان انسان بتابد و اشعه تابناکش با روشنائی و گرما و زندگی که حامل آن است در تمام رگ و پی های او نفوذ کند. (یوسف قرضاوی، نقش ایمان در زندگی، ص ۱۹). و آنچه ایمان را در وجود انسان راسخ می گرداند؛ علم راهی بسوی ایمان است و هر قدر انسان در جستجوی دلایل و حجت های ایمان بکوشد همان قدر به بهره وری ایمانی می رسد «فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» [محمد/ ۱۹] (پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست)، و همچنین تفکر در آفریده های الهی خودش راهی به سوی ایمان بوده و بکار گیری مشاهدات و گامهای عملی در جهت بدست آوردن ایمان و تقویت آن. (راه ایمان، عبدالمجید زندانی ص ۴۶).

## مفهوم مؤمن

واژه مؤمن از لحاظ لغوی در زبان عربی اسم فاعل است که از لفظ آمن، یؤمن، ایمانا، فهو مؤمن؛ گرفته شده برای فردی اطلاق می شود که متصف به ایمان باشد، و همچنین آمن، یامن، أمناً، فهو مؤمن؛ که به معنی آمن و در امنیت، ضد خوف و ترس کسی که بندگان از ظلمش در امان باشند. (ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط. ص ۸۶). مؤمن یکی از اسماء حسنی پروردگار است «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» [حشر/ ۲۳] (اوست خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای پاک سلامت بخش و مؤمن نگهبان عزیز جبار و متکبر است، پاک است خدا از آنچه با او شریک می گردانند.) به معنی امن دهنده و تصدیق کننده رسولانش و بندگان نیکش، آن که خود را به صفات کمال یاد کرده و آن صفات نیکو را برای پیامبران خود علم داده، و در کلامش تبیین نموده است. (ابن قیم، مدارج السالکین ص ۷۸، تفسیر السعدی ص ۳۰۱). تصدیق خداوند متعال بندگان مؤمن اش را در روز قیامت و پاداش دادن شان و تکذیب غیر مؤمنین و عذاب شان (عمر الاشقر، أسماء الله وصفاته، ص ۶۴). آن که خلقش از ظلم او در امان هستند. (تفسیر الطبری ۲۸/ ص ۳۶). پس لفظ مؤمن بر اینکه اسم و صفتی برای الله متعال است به این معنی که خداوند متعال واحد و یگانه است و پیامبرانش و بندگان مؤمنش را تصدیق نموده و ایشان را از ظلم در امان داشته و با داشتن این صفات کمال، پروردگار سبحان از صفات نقص منزه است.

**تعریف اصطلاحی؛** مؤمن کسی است که دیگران از شر او در امان باشند و جان و مال دیگران، و از دست وزبان او در امان باشند. (ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم، الإیمان، تحقیق محمد ناصرالدین الالبانی، ص ۹). در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ذکر شده (المسلم من سلّم المسلمون من لسانه ویده، والمؤمن من آمنه الناس علی دمائهم وأموالهم، والمهاجر من هجر السيئات، والمجاهد من جاهد نفسه لله). (به روایت امام احمد ۱۵۴/۳، وابن أبي الدنيا ۲۸، و ابن حبان ۵۱۰/۲، والحاكم ۱۱/۱). وقتی فردی مؤمن گفته می شود که ایمان و تصدیقش قطعی و یقینی شود؛ ایمان به الله متعال، به فرشته ها، به کتاب های آسمانی، به پیامبران الهی، روز آخرت، و به تقدیر خیر و شر از جانب خداوند متعال و به تمام آنچه شریعت اسلامی دستور ایمان به آن را داده است. (محمد عبدالرحمن الخمیس، شرح العقیده الطحاویه، ص ۲۸۰). معنی دیگری که برای این لفظ بیان شده تصدیق کننده است مثلاً در عربی گفته می شود (آمن به قوم وکذب به آخرون)، و ایمان افراد مؤمن به همین مفهوم است که الله متعال را به صورت قطعی و یقینی تصدیق می نمایند و به صورت کامل دستورات آنرا اجرا نمایند.

## نگاهی به جایگاه انسان

انسان از منظر قرآن کریم در جهان حیثیت تصرف کننده تمام امکانات و تجهیزات را داشته که همه هستی برای او رام گردانیده شده است. « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » [اسراء/ ۷۰] (و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم) و در آیت دیگر می فرماید « وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ » [جاثیه/ ۱۲] (و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست). و در آیت دیگری می فرماید: « أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً » [لقمان/ ۲۰] (آیا ندانسته اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است). چه چیز انسان را به این مقام رسانید، در حالیکه در جهان هستی موجودات بزرگتری هم وجود دارد؟ در واقع آن پرتوی است که از نور خدا در وجود انسان تابیده است، یعنی روح خدا در او دمیده شده که آن را قادر ساخته است تا خلیفه خدا در روی زمین شود « إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا » [الأحزاب/ ۷۲] ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند ولی انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود. فقیه ابوبکر ابن عربی می گوید: خداوند متعال آفریده نیکو تر از انسان را نیافریده است چنانچه انسان را موجودی زنده، دانشمند، توانا، سخنگو، شنوا و بینا، مدبر و خردمند آفریده است. در مورد جایگاه انسان ابن قیم رحمه الله می گوید: خداوند متعال فقط برای انسان کرامت و برتری داده و امتیازهای ویژه معرفتی را همچون محبت، قربت و کرامت را به او اختصاص داده؛ همه هستی را برای انسان رام نموده است. حتی فرشتگان را در خدمت انسان گذاشته است، چنانچه از جمله وظایف فرشتگان نهبانی و محافظت از انسان است و همچنین برای انسان رسالت داده و با وی گفتگو نموده، از این جهت انسان دارای مقام بس عالی می باشد. (ابن قیم، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۲۱۰). وقتی مطلق نوع انسان دارای چنین مقام و جایگاهی است پس انسان مؤمن و اهل ایمان جایگاه بس والاتر و مقامی رفیع تر داشته که او را تا اوج آسمان پرواز می دهد. چنانچه خداوند متعال مقام اهل ایمان را در این آیت بیان نموده « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ » [آل عمران/ ۱۱۰] (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید).

و در آیت دیگری چنین می فرماید « وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ » [المنافقون/ ۸] و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است). و در آیه دیگر « وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا » [نساء/ ۱۴۱] (و

خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» [بقره/ ۲۵۷] (خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد). «وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» [الأنفال / ۱۹] (و خداست که با مؤمنان است).

### تاثیر ایمان بر فرد

سعادت انسان در درون وی است یعنی نیکبختی پدیده معنوی است و با مقیاس های مادی و عادی سنجیده نمی شود که آرامش روحی و روانی بیان گر آن است «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَزِدَّهُمْ إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ» [الفتح/ ۴] (اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند). انسان مؤمن در واقع به ندای فطرت خود پاسخ داده آن فطرتی که با جهان هستی هماهنگ است.

در وجود انسان جای خالی وجود دارد که نه با دانش و فرهنگ پر می شود و نه با فلسفه و قضایای مادی محض، فقط ایمان به پروردگار می تواند آن خالی گاه را پر نماید، انسان فاقد ایمان همچون گرسنه و تشنه می ماند که از تشنگی و گرسنگی اشباع نشده ولی با ایمان می تواند از محرومیت ها نجات یابد «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ» [الحشر/ ۱۹] (خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد). و دیگر اینکه راه و هدف برای فرد مؤمن مشخص و معلوم است؛ «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» [انعام/ ۱۵۳] (و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد، پیروی مکنید).

فرد مؤمن با سراسر هستی انس و الفت داشته و از طریق پیوند ایمانی، همنشینی معنوی با صالحان، صدیقان، و پیامبران دارد؛ همنشینی روحی و وجدانی و فکری و قلبی که هیچ گاه احساس تنهایی به او دست نمی دهد، چنانچه مؤمن دیگران را در دعا و نماز خود یاد می کند.

مؤمن بین (اگر) و کاش زندگی نمی کند، چنانچه یکی از نابسامانی های که آرامش انسان را برهم می زند و از جنبه روحی به او لطمه وارد می کند؛ اینکه بر گذشته حسرت، و از حال ناراض و از آینده در ترس و اضطراب قرار داشته باشد. (نقش ایمان در زندگی، قرضاوی، ص ۱۶۳). مؤمن می گوید خدا مقدر کرده بود و شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: (اگر) راه شیطان را باز می کند. (صحیح مسلم ۲۶۶۴) فرد مؤمن از خود و خدای خویش راضی بوده واز عطلت و بطالت و بیهودگی به دور است و دقیقاً فرد با هدف در زندگی می باشد. «الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ». [الشعراء/ ۷۸-۸۲] (آن کس که مرا آفریده و همواره مرا هدایت می کند و آن کس که او به

من خوراک می دهد و سیرابم می گرداند و چون بیمار شوم، او مرا درمان می بخشد و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرد او آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشد.

مؤمن فرد شکر گذار و به نعمت های خدا بر خود اعتراف می کند و همواره سپاس گذار است؛ نعمت آفرینش، انسان بودن، علم و دانش، نطق و بیان، رزق و روزی، ایمان و هدایت، برادری و محبت و همه نعمت ها که در حد و حصر نمی گنجد. « وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ » [نحل/۵۳] (و هر نعمتی که دارید از خداست). و می فرماید « وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ » [نحل/۱۸] (و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید آن را نمی توانید بشمارید قطعا خدا آمرزنده مهربان است). و فرد مؤمن است که به صفاتی همچون توکل، یقین، صبر، امید، ایثار، گذشت و مدارا و استقامت مزین است.

### تأثیر ایمان در زندگی اجتماعی

آثار ایمان بر فرد، پیش زمینه تأثیر آن در اجتماع را نشان می دهد و همچون بنای یک ساختمان است که وقتی مصالح در قدم اول مورد توجه قرار گیرد و از کیفیت و صلاحیت خوبی برخوردار باشد؛ ساختمان هم در نتیجه به استحکام خوبی می رسد، همینگونه وقتی ایمان افکار و باورها، تعاملات و عمل کرد، و سلوک و اخلاقیات فرد را درست کرد این آثار به شکل طبیعی به جامعه هم تأثیر می گذارد و ارزش های همچون همدیگر شناسی، دوستی و محبت، تعاون و همکاری، عدالت، اتحاد و همبستگی، رعایت حقوق دیگران، احترام به همه، هم دیگر پذیری و تحمل یکدیگر، احساس مسئولیت و وظیفه شناسی به جامعه را به بار می آورد. هر اجتماع انسانی به نظم و نظام و ضوابطی ضرورت دارد تا ارتباطات، داد و ستدها، تعاملات و معاشرت های اجتماعی را برقرار سازد و خواهشات و زر و زور بر عقل سالم بشری چیره نشود، منافع شخصی مصالح عمومی را بر هم نزند، این ضوابط باید از منبع اخلاقی گرفته شود که به درون افراد است و وجدان و ضمیر افراد را قانع ساخته باشد، برای این که قانون به تنهای خود انسان ها را کنترل کرده نمی تواند، قلمرو قانون ظاهر قضایا است نه باطن، و قانون روابط عمومی را تنظیم می نماید نه دخالت در امور شخصی فرد، و فرار از قانون و قانون گریزی کار آسان است و قوانین انسان را به خیر و نیکی نمی تواند تشویق کند، و مدینه فاضله بسازد. چرا که انسان از درون رهبری می شود نه از بیرون، مگر این که دانش و داشته های انسان رنگ ایمانی به خود بگیرد تا ظرفیت های انسان در خیر و صلاح انسانیت و آبادانی زمین بکار گرفته شود، نه در جهت شر و فساد و تباهی. از جمله تأثیرات ایمان نسبت به جامعه و اجتماع.

### الف؛ ساختن و بیدار کردن وجدان



عقیده فرد مؤمن به خدا و روز آخرت وجدان او را بیدار نموده و در همه حال و همه جا خدا را به یاد آورده دست از پا خطا نمی کند، همواره می اندیشد که از هر کرده ای باید پاسخ گو باشد. « وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا » [یونس / ۶۱] (و هیچ کاری نکنید مگر این که ما بر شما گواه باشیم). « مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ » [ق / ۱۸] (آدمی هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]). « أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا » [الإسراء / ] (نامه ات را بخوان کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی). روی این حساب فرد مؤمن متوجه کار کرد و رفتار خود است و با وجدان بیدار به فرجام کار هایش می اندیشد تا ستمی، خیانتی، تعدی را به دیگران متوجه نسازد. وجدان ایمانی، وجدان زنده، بیدار، و عاقبت اندیش است. قبل از انجام هر کار، تصمیم درست و حساب شده داشته و بعد از اتمام کار خویشتن را مورد محاسبه خودی قرار می دهد که همچون قاضی شتاب زده بر خود حکم صادر می کند. وجدان ایمانی نخستین پایگاه اخلاق و اساس زندگی با فضیلت اجتماعی است. زکات را فرد مسلمان جهت تقرب به خدا، با علاقه و شوق کامل از بهترین مال خود می پردازد و به این باور است که آنچه نزد خدا است باقی و آنچه نزد انسان است فانی، اما در سیستم مالیاتی غیر ایمانی اگر توجه شود چقدر فرار مالیاتی وجود دارد؟ و وقتی وجدان ها بیدار باشد هر کس به حق خود قانع بوده به قانون احترام می گذارد و امانت دار بوده و اگر جرمی انجام دهد به پیشگاه قانون اعتراف می نماید، نمونه آن ماعز بن مالک وقتی مرتکب عمل زنا می شود (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أَتَاهُ مَاعِزُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ لَعَلَّكَ قَبَلْتَ أَوْ غَمَزْتَ أَوْ نَظَرْتَ قَالَ لَا) (البخاری، حدیث ۶۸۲۴. و أخرجه أحمد ۲۴۳۳).

حضرت عمر فاروق رض به هیچ غذای غیر از نان و روغن لب نمی برد و می گوید (بد فرمانروای خواهم بود من اگر سیر باشم و مردم گرسنه باشند). (البدایة والنهائة، ابن کثیر، ج ۷ ص ۱۵۲).

### ب؛ از خود گذشتگی و فداکاری

جامعه ای که می خواهد به شکوه و پیشرفتی دست یابد به بازو های توان مندی ضرورت دارد؛ به انسان های از خود گذشته که با وجود نیاز مندی خویش دیگران را بر خود ترجیح دهند و بذل وقت و مال و تمام داشته های خود را در خدمت ارزش ها و اهداف خود بگذارند و مصالح شخصی را فدای مصالح عمومی جامعه بسازند « وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ » [حشر / ۹] (و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آنها را بر خودشان مقدم می دارند). چنین انسانهای در کجا یافت می شوند؟ مکتب ایمان با تجربه ثابت کرده که چنین انسان های را تربیت می کند، چرا که هر زحمت مادی، معنوی، جانی و مالی را که فرد مؤمن متحمل می گردد هر چند کم و اندک هم باشد در حساب حسنات وی قرار گرفته و نزد خداوند متعال ثبت می شود و سر سوزنی از آن هدر نمی رود، حتی یک گام و اندک گرسنگی و تشنگی « ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

يَطْنُونَ مَوْطِنًا يَعْظُمُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» [توبه/۱۲۰] (چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد قدم نمی گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه شان] نوشته می شود زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند).

### ج؛ نیرومندی

نیرومندی به مفهوم عام آن را جز در سایه عقیده و ایمان نمی توان به دست آورد، ایمان به خداوند متعال فرد را نیرومند می ساخته و روحیه او را تقویت می نماید و امید و چشم داشت فرد مؤمن را هر لحظه به خدا بیشتر می نماید یعنی فرد با نداشته های مادی هم خود را دارا و توانمند احساس می کند و احساس عزت و شأن می کند و در تلاطم و موج های زندگی حالت ثبات و راحتی دارد، این نیرومندی ایمان در واقع نیرومندی جامعه ایمان دار است که می تواند این اجتماع را به رفاه و سعادت برساند چرا که منبع این نیرومندی خداست «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» [طلاق/۳] (و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است). چنانکه توکل به خداوند متعال از ثمرات ایمان است و به معنی خود را بی اراده به دست روزگار سپردن نیست یا به معنی تبلی و تن پروری باشد بلکه توکل مفهوم حرکت آفرینی را می رساند توکل نگهبان درونی انسان است که او را سرشار از نیروی مقاومت نموده و روحیه مبارزه و تلاش را در وی زنده نگهدارد تا به جاودانگی ایمان داشته، چرا که زندگی مؤمن به چند روز محدود دنیا منحصر نمی شود و می داند که هیچ رنج و خستگی به او نمی رسد مگر این برایش پاداش است. «قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» [توبه/۵۱] بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی رسد، او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (عجبا لأمر المؤمن إن امره كله خير) (صحیح مسلم ۲۹۹۹) لذا نیرومندی فرد مؤمن به اندازه ایمان اوست، عمر فاروق با آن جایگاهش در باره ایمان ابوبکر صدیق می فرماید (به خدا سوگند! اگر ایمان ابوبکر با ایمان همه این امت بسنجد؛ افزون تر خواهد بود) و به موضع گیری ابوبکر صدیق در روز رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، می بینیم که همه سراسیمه ولی ابوبکر همه را متوجه نموده و این آیت مبارکه را تلاوت می نماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا» [آل عمران/۱۴۴] (و محمد جز فرستاده ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند؛ نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رسد).

## د؛ شفقت و مهربانی

مؤمن منبع خیر و نیکی، عطف و مهربانی و اهل انس و دوستی است و یقین دارد که رحمت الهی جز از طریق مهر ورزیدن به دست نمی آید و در احادیث به این مفاهیم به وفور دیده می شود (مؤمن مألوف و مأنوس است و کسی که انس و الفت نمی ورزد در او خیری نیست) و ( *إنما یرحم الله من عباده الرحماء*) (البخاری ۵۶۵۵) و ( *من لا یرحم لا یرحم*) (البخاری ۵۹۹۷، و مسلم ۲۳۱۸) ( *ارحموا من فی الأرض یرحمکم من فی السماء*) (الترمذی ۱۹۲۴ و أحمد ۶۴۹۴) فرد مؤمن برای همه مهربان است حتی برای حیوانات ظلم نمی کند و آثار این شفقت و مهربانی در جامعه تبلور نموده و با این مرحمت گرسنه ها سیر، تشنه ها سیراب، انسان های بی سرپناه را یاری نموده، بی سوادان را آموزش داده، یتیمان را کفالت کرده و محرومان را دست یاری می دهد. آن طرف افرادی که ایمان ندارند و هیچ شفقت و ترحمی نزدشان یافت نمی شود وقتی قدرت و سلطه در دست شان می افتد همچون حیوانات وحشی جنگل به هیچ زنده جانی رحم نمی کنند و مثال های آن به وفور در تاریخ انسانیت به ثبت رسیده که در این جا مجال بحث آن نیست از جنایت های کمونیزم، امپریالزم و صلیبها و ...

## ه؛ ایمان و تولید

ایمان چرخه‌ی روزگار را بر انسان تعطیل نکرده بلکه همواره فرد مؤمن را به تلاش و سعی و جدیت و پشتکار کشانده و او را به عرصه تولید گسیل می دارد، فرد مؤمن با صداقت، امانتداری، اخلاص به کار و تولید روی می آورد. حتی اکثر دانشمندان اسلامی ایمان را تصدیق و عمل کرد فرد تعبیر نمودند و عمل کرد فرد را جزئی از مفهوم ایمان می دانند که شرط ایمان و ثمره ایمان به اتفاق اهل دانش است. ( *أثر الإیمان فی تحصین الأمة الإسلامیة*، ص ۵۷۰). قرآن کریم در بیش از هفتاد آیت، ایمان را با عمل و کردار یکجا ذکر نموده و آن هم عمل صالح، که امور دین و احکام شرعی و امور لازم دنیا، زندگی مادی و معنوی جامعه را شامل بوده و آن را به تعالی می رساند. از این رو انگیزه فرد مؤمن برای کار و تولید انگیزه درونی و از روی ایمان اوست و وظیفه و مسئولیت خود پنداشته که به خود و خلق کاری انجام دهد و به یقین می داند که رفاه زندگی دنیا و سفید بختی آن در آخرت به کار و زحمتش وابسته است. واضح می خوانیم « *وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى* » [نجم / ۳۹-۴۰] (و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد). « *بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* » [بقره / ۱۱۲] (آری هر کس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد). از سنت های الهی در هستی این است که هر کسی زحمت و تلاش دنیای داشته باشد به ثمر رسیده و حاصل آن را بر می دارد به مؤمن و غیر مؤمن ارتباطی ندارد ولی انگیزه های این تلاش نزد مؤمن بیشتر است. نابرد رنج

گنج میسر نمی شود. مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد، فرد مؤمن با اتقان و درستی تمام کاری را انجام می دهد؛ چرا که باور دارد که الله متعال مراقب اعمال اوست و در هر حال او را می بیند. (إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ) (الطبرانی، الأوسط ۸۹۱) دو صفتی که معمولاً در کار مهم است یکی امانت داری و دیگری اخلاص فرد مؤمن با خود دارد. استقامت صفتی ممتاز برای اهل کار و تولید است که در وجود مؤمن است و با همه دشواری ها و سختی ها می سازد که این خود بر روند تولید تاثیر گذار است. ارزش وقت را فرد مؤمن می داند و درست از وقت استفاده می نماید که این شاخص هم در تولید رول عمده داشته و روند کار را سرعت بخشیده که منجر به نتایج مطلوب می شود. مؤمن کار و تولید را عبادت دانسته از کار خود علاوه بر نتایج محسوس نتایج غیر محسوس را هم نزد خداوند متعال چشم انتظار است. و هیچ گاه دست از تلاش و کار بر نمی دارد (إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَلَّا يَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا؛ فليغرسها) رواه البخاری، چرا که وظیفه است «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» [هود/۶۱] (او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد).

### و؛ اصلاح اجتماعی

یگانه وسیله رهایی جوامع انسانی از ظلم فساد، تبهکاری ویرانی، انحرافات فکری، رکود ناتوانی وضعف، مفساد گوناگون اجتماعی و جهل و نادانی ایمان به خدا و روز آخرت و آنچه ایمان تقاضا نموده بجا آوردن آن است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» [رعد/۱۱] (در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند). تربیت انسان از ساختن هر بنای مادی و ظاهری کاری بسا دشوارتر و سنگین تر است که کمر انسان های مصلح را خم می کند و اگر با پیامبران الهی که مصلحین بزرگ انسانها بودند هم رکاب شان وحی و حمایت الهی نمی بود شاید هرگز کار شان منتج به نتایجی نمی شد، اما ایمان این شگفتی ها را به وجود می آورد و انسانی صالح، مسلط بر هوای و خواهشات نفسانی، انسان مسئول و خیر خواه به بار می آورد تا بر اصول درست ایمانی زندگی نموده و تمام افکار و اهداف و راه و روش هایش قانون مند باشد. ایمان است که حلی برای همه معما های زندگی بوده و فرد پرهیزگار، متواضع، امانت دار، صادق، شکرگذار، باعزت، سخاوتمند و دادگر را به جامعه تقدیم می دارد. و این اصلاح از طریق موعظه و نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر صورت می گیرد «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» [لقمان/۱۷] (ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسبایی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است). تا توحید و ایمان، عدالت و اخلاق فاضله در جامعه پخش شود، چنانچه الله بر زبان پیامبرش به هر معروفی و کار نیکی امت را دستور داده و از هر بدی باز داشته و هر حلالی را حلال و هر پلیدی را حرام قرار داد. (امر بمعروف و نهی از منکر، ابن تیمیه، تحقیق، صالح المنجد، ص ۱۰). و در آیت

دیگری می فرماید « وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » [توبه/ ۷۱] (و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند). پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید (من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده، فإن لم یستطع فبلسانه، فإن لم یستطع فبقلبه و ذلك أضعف الإيمان). (مسلم ۴۹). اکثر جوامع بشری امروز را می بینی که مادی گرای محض بوده و در آن؛ احتکار بازرگانان، بخل ثروتمندان، حق ناشناسی کارگران، شورشگری بی نوایان، استبداد رؤسا، خیانت زیردستان، دزدی خزانه داران، منفعت پرستی زورمداران، اجحاف قانون گذاران و اسراف مخترعان و مکششفان و سنگدلی مجریان قانون رو برو است. (نقش ایمان در زندگی، ۴۸۴).

### ز؛ وحدت اجتماعی ایمانی

وحدت در لغت به معنای یگانه شدن است و اهل لغت درباره معنای وحدت گفته اند: «والإتحاد، صیورۃ الشیئین الموجودین شیئاً واحداً»؛ اتحاد یکی شدن دو چیز موجود است. (طریحی، ۳/ ۱۵۸). وحدت در اصطلاح به معنای انفراد است. واحد در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد. (راغب اصفهانی، ص ۸۵۷). لذا هرگاه چند چیز با حفظ خاصیت شخصی خود با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد (جوادی آملی، ص ۱۵). در این میان وحدت اسلامی به این معناست که همه مسلمانان بر محور باورهای دینی، منافع و اهداف مشترک گرد هم آیند و برای رسیدن به سعادت دنیا آخرت و قرب الهی، با همدلی تلاش کرده و به رفع موانع فراروی خود همت گمارند. دین اسلام اهل ایمان را به وحدت و همبستگی فراخوانده است؛ زیرا نصوص قرآنی و سنت قولی و عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی وحدت و همبستگی فرا می خوانند و عزت و تمکین و هیبت امت اسلام از وحدت آن است. الله متعال فرموده است: "وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا" (آل عمران/ ۱۰۳) (و همه گی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید). در آیت فوق به اتحاد و وحدت دستور صریح داده شده است و در این حال وحدت و همبستگی و تلاش برای تحقق آن، و مبارزه با تفرقه و چند دستگی و عوامل آن از واجبات دینی به شمار می رود. الله متعال مسلمین را به طور عموم یک امت می خواند و می فرماید (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ) (سوره انبیاء/ ۹۲) (این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید).

الله متعال در آیت دیگری اسباب رفع اختلاف را بیان می کند و مؤمنین را به سوی حکم الله و حکم رسول فرامی خواند، و در عین حال اختلاف و منازعه را سبب ضعف و شکست و از بین رفتن هیبت و ارزش معرفی می کند «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶) (و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست می شوید و مهابت شما از بین می رود). و در آیت دیگری آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری/۱۰) (و در باره هر چیزی اختلاف پیدا کردید داوریش به خدا [ارجاع می گردد] چنین خدایی پروردگار من است بر او توکل کردم و به سوی او بازمی گردم).

چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى سَائِرَ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى» (مسلم ۶۷۵). (مؤمنان در محبت، در عطوفت، و در مهربانی با همدیگرشان مانند یک بدن اند؛ هرگاه یک عضو بدن بیمار گردد همه اعضای آن در بیقراری و تب فرو می روند). و در حدیث دیگر (إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا). «وَسَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ». (بخاری ۶۰۲۶ مسلم ۲۵۸۵).. یعنی: ابوموسی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کنند که آن حضرت فرمودند: «ارتباط مؤمن با مؤمن مانند ارتباط دیوارهای یک کاخ با همدیگر است، که باهم بافته شده اند و یکدیگر را نگهدارند». و انگشتان هر دو دست خویش را [به گونه مثال] باهم بافتند. به روایت بخاری و مسلم. در عین حال حدیث دیگری نیز از آن حضرت روایت شده که فرموده اند: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَى أَبْلَغْتُ قَالُوا بَلَّغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) (مسند احمد ۲۳۴۸۹) (ای مردم! بدانید که پروردگار شما یکی است، و پدرتان یکی است، و بدانید که هیچ عربی ای بر عجمی ای و هیچ عجمی ای بر عربی ای، و هیچ سرخ پوستی بر سیاه پوستی و سیاه پوستی بر سرخ پوستی جز به وسیله تقوی فضیلت ندارد. آیا ابلاغ کردم؟ گفتند: رسول الله صلی الله علیه وسلم ابلاغ کرد).

اگر به روح دین اسلام نگاه کنیم و در تطبیقات شعایر و عبادات آن نیک بیندیشیم، در می یابیم که؛ همه بازتاب دهنده وحدت و همبستگی مسلمین در میان خودشان هستند. زمانی که در صف نماز می ایستیم، سفید پوست در کنار سیاه پوست، ثروتمند در پهلوی مستمند، قدرتمند در کنار ناتوان، سعادتمند در پهلوی غمگسار، شاه در کنار گدا، دانشمند در پهلوی بی سواد قرار می گیرند؛ و همه در پشت یک امام و پیش نماز و به سوی یک قبله، و به یک شیوه در برابر پروردگار یکتا و یگانه به راز و نیاز می پردازند، همین گونه در نماز جمعه و عیدین و حج بیت الله الحرام که به عنوان کنفرانس جهانی مسلمانان ها نماد وحدت و نشان دهنده روح همگرایی و وحدت شعار و هدف است.. آنچه اهل ایمان را به وحدت می رساند؛

## الف؛ وحدت عقیده

یکی از مهمترین عوامل وحدت و همبستگی مسلمانان و مقاومت در برابر دشمنان اسلام و شکستاندن آن با وحدت عقیدتی شان بوده است. امروزه جمعیت مسلمانان در جهان به بیشتر از یک میلیارد و هشتصد میلیون می رسد که عقیده همه را توحید و یکتا پرستی تشکیل می دهد و این وحدت عقیده باید باعث وانگیزه ای باشد که باهم تفاهم و همکاری و اتفاق داشته باشند تا مصداق آیات قرآنی ذیل واقع شوند: « وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ » (مؤمنون/ ۵۲) (و در حقیقت این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید)، « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ » (آل عمران/ ۱۱۰). (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید).

## ب؛ وحدت شریعت

شریعت اسلامی که در برگرفته تمام نظامها، قوانین امر کننده و نهی کننده، منطوقی و بین المللی، قوانین وقواعد اخلاقی می باشد، شریعت تمام مسلمانان محسوب می گردد. این شریعت تمام انسان ها را به سوی کمال و تعالی دعوت می کند و در هر زمان و مکانی قابل تطبیق می باشد، و این شریعتی است که همه مسلمانان در تمام روی زمین مکلف به تطبیق آن اند. پس لازم است که این شریعت که مخاطبینش همه مسلمانان اند در تمام عرصه های زندگی از قبیل سیاست و اقتصاد، مسائل اجتماعی و تربیت، فرهنگ و رسانه، قضاء و جزاء، معاملات تجاری و مسائل اداری و خانوادگی به طور یکسان تطبیق گردد و هیچ کسی از آن مستثنی قرار نگیرد. (عبدالمجید زندانی، راه ایمان، ص ۵۷) چه زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین نیز مؤید این امر است. همچنان تاریخ اسلام نشان می دهد که در طول و عرض جهان اسلام قوانین شرعی تطبیق می گردید و فیصله های حقوقی و جزایی مطابق آن جامه عمل می پوشید، همین امر وحدت را به ارمغان آورد. و برعکس زمانی که منابع قانونی مسلمانان متعدد گردید، اختلاف و چند دستگی را به همراه داشت. اگر ما در حال حاضر به تطبیق واقعی شریعت اسلام روی بیاوریم، باعث سعادت و نجات امت اسلامی شده و دست تسلط دشمنان کوتاه و این امر سبب وحدت تمام امت اسلامی خواهد گردید.

## ج؛ اخوت اسلامی

هیچ دین یا نظامی را در روی زمین نمی توان یافت که به اندازه اسلام توانسته باشد بین فرزندان و پیروان خویش رابطه ای محبت و دوستی را محکم و استوار نگهدارد. این رابطه ایمانی ای که اسلام در میان انبای خویش ایجاد نموده آن ها را وادار می سازد تا به سوی وحدت و اتحاد حرکت کنند و تمام توان انرژی ای که در این راستا مصرف می

شود نتیجه اش به جماعت های مسلمین باز می گردد. الله متعال در این مورد فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/ ۱۰) (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان سازش آورید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید). امام قرطبی در تفسیر این آیت گفته است: اخوت دینی استوار تر از اخوت نسبی است؛ زیرا که اخوت نسبی با جدایی دین می گسلد، ولی اخوت دینی با انقطاع اخوت نسبی نمی گسلد و استوار می ماند. (الشباب المسلم والحضاره الغربیه، ص ۱۰۴).

## نتایج بحث

۱. یگانه راه کار برای رسیدن انسان به شاهراه هدایت و سعادت و پی مودن مقاصد و اهداف والای زندگی، ایمان به یگانگی خداوند متعال و روز آخرت و تمام قضایای ایمانی اسلامی و در سایه آن زندگی کردن است، تا فرد به خوبی های دنیا و آخرت نایل آید.
۲. انسان به آرامش روانی، همبستگی اجتماعی، پیروزی در میدان های مختلف زندگی، رفاه اقتصادی، پیشرفت وسایل زندگی، و دگرگونی های مثبت، دادگری فراگیر، و به کار خانه آدم پروری و انسانیت سازی نیاز دارد و این جز از تسلیمی در برابر خدای قدیر و ایمان و ارتباط با او بدست نمی آید.
۳. ایمان ضرورت زندگی انسانی است و منظور از ایمان در این بحث، ایمان قرآن و سنت، ایمان گذشتگان نیک این امت و ایمان هر فرد مؤمن راستینی است که جامع، متوازن، ژرف اندیشی، و دور نگری، و تمام فرایند زندگی انسان را احتوا نماید.
۴. ایمان منظور اسلام، ایمان شعار تھی، ادعای محض و آرمان گرایی نیست، بلکه منظور از ایمان منهج کامل زندگی برای فرد و جامعه است و آثار این ایمان در تمام زندگی فرد و افراد جامعه رو نما بوده و در ریز و درشت قضایا نقش کلیدی را ایفا می نماید و همچون نور آفتاب در همه جا تابنده است.
۵. ایمان فرد را با خصایصی ویژه همچون؛ پرهیزگاری، توکل، شکیبایی، شکرگذاری، ایثارگری تربیه نموده و جامعه را هم زمان به خیر و صلاح رسانده و همبستگی سازندگی، وجدان های بیدار، اصلاح اجتماعی، رفاه مادی، برادری و برابری، و تمام فضایل نیک انسانی و اسلامی سوق می دهد و انسان را از پدیده های منفور لادینی، ظلم و سرکشی، کفر و ناسپاسی، غفلت و ذلت و از شهوات نفسانی و وساوس شیطانی بدور می دارد.
۶. انسان واقع گرا در زندگی در می یابد که فقط در پرتو آموزهای ایمانی می تواند به آرمانی های والای انسانی خود برسد.



۱. قرآن کریم
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق)، (الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه) صحيح البخاری، بیروت: نشر طوق النجاة.
۳. نیشاپوری، مسلم بن الحجاج القشیری، صحيح مسلم، (ت ۲۶۱ هـ) تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، نشر إحياء التراث العربی، بیروت.
۴. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، نشر مؤسسة الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.
۵. ابن اثیر، مجد الدین بن محمد، (۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م) النهاية في غريب الحديث والأثر، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحي، نشر المكتبة العلمية - بیروت.
۶. سعدی، عبدالرحمن، (۱۴۲۳) تیسیر کلام الرحمن في تفسیر کلام المنان، نشر ابن الجوزي، بیروت لبنان.
۷. عسقلانی، أحمد بن علي بن حجر، (۱۳۹۰ هـ) فتح الباري بشرح البخاري، تصحيح محب الدين الخطيب، المكتبة السليمية، مصر.
۸. خرم دل، مصطفی، (۱۳۹۷)، تفسیر نور، نشر احسان-تهران
۹. سید قطب، (۱۳۹۱ هـ). في ظلال القرآن، ، نشر إحياء التراث العربی، بیروت.
۱۰. زندانی، عبدالمجید، راه ایمان، ترجمه محمد یگانه، بی جا، بی تا.
۱۱. غزالی، محمد بن محمد أبو حامد، إحياء علوم الدين، نشر المعرفة، بیروت، بی تا.
۱۲. قرضاوی، یوسف، نقش ایمان در زندگی، ترجمه فرزانه غفاری و محسن ناصری، تهران، ۱۳۹۴ هـ.
۱۳. فیروز آبادی، (۱۳۷۱ هـ) قاموس المحيط، نشر مکتبه الحلبي، قاهره.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی جمال الدین، لسان العرب، نشر صادر - بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.
۱۵. حنفی، صدر الدین محمد بن علاء الدین ابن ابی العز، شرح عقیده طحاوی، مکتبه اسلامي، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.
۱۶. حوی، سعید، الأساس في السنة وفقهها، نشر السلام، قاهره، ۱۹۹۵ م.
۱۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإیمان، شیخ الإسلام، نشر الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول ۱۴۰۳ هـ.

۱۸. زيدان، عبدالکريم، اصول الدعوة، نشر عمر بن الخطاب، اسکندريه، چاپ سوم، ۱۳۹۶ هـ.
۱۹. ابن القيم، محمد بن أبي بكر، مدارج السالكين، محقق محمد المعتصم بالله البغدادي، نشر الكتاب العربي بيروت، ۱۴۱۶ هـ.
۲۰. ابن الاثير، عزالدين، اسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق على محمد معوض، نشر الكتب العلمية، بيروت، بی تا.
۲۱. ابن تيميه، الامر بالمعروف والنهي عن المنکر، تحقيق صالح المنجد، نشر الكتب الجديد، بيروت، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۲۲. جربوع، عبدالله، أثار الإيمان فى تحصين الأمة الإسلامية، مكتبة ملك فهد، مدينه منوره، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.
۲۳. ابن سيده، أبو الحسن علي بن إسماعيل، المحكم والمحيط الأعظم. نشر الكتب العلمية ۱۴۲۱ هـ ۲۰۰۰.
۲۴. اشقر، عمر، أسماء الله وصفاته، دارالفائس، عمان، ۲۰۱۶.
۲۵. خميس، محمد عبدالرحمن، شرح العقيدة الطحاوية، نشر ايلاف، كويت، ۱۹۹۹م